

Research Article

Analytical Study of the Theory of the Semantic Connection of Verses in Terms of Type, Direction, and Scope in Tafsir al-Mizan

Mohammad Asanjrani¹, Alireza Tabibi^{2*}, Ali Hassanbegi³, Keyvan Ehsani⁴

Abstract

One of the theories proposed in the field of Quranic sciences is the theory of the semantic connection of verses. In this theory, attention is paid to the harmony and coherence of verses and the thematic unity of the Quran. In order to explain the meaning of a verse, other verses are referred to, and by establishing the correct connection between verses, the divine intention is discovered. This research examines the semantic connection of verses in terms of type, direction, and scope in Tafsir al-Mizan. The method of collecting materials in this research is library-based and the method of processing them is descriptive-analytical. The findings show that paying attention to conceptual or structural commonalities, combining concepts, and separately examining the components of the connection are among the components of the semantic influence of verses on each other. Also, in choosing the direction of the semantic connection, components such as basing on the hadiths of the Infallibles (AS), using a combination of contrast and detail, and the principle of establishing semantic commonality can be proposed. Regarding the study of the semantic connection in terms of scope, paying attention to key verses that interpret a wide range of verses, Gharr verses, verses that have the highest degree of clarity, and verses that have general and basic concepts is a good way to go.

Keywords: Al-Mizan, Semantic connection of verses, Semantic connection, Interpretation of the Quran to the Quran

How to Cite: Asanjrani M, Tabibi A, Hassanbegi A, Ehsani K., Analytical Study of the Theory of the Semantic Connection of Verses in Terms of Type, Direction, and Scope in Tafsir al-Mizan, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2024;15(59): 88-106.

1. PhD Student in Quran and Hadith Sciences, Arak University, Arak, Iran
2. Professor, Faculty of Islamic Studies and Thought, University of Tehran, Tehran, Iran
3. Professor, Arak University, Arak, Iran
4. Associate Professor, Department of Theology, Arak, Iran

بررسی تحلیلی نظریه پیوند معنایی آیات از نظر نوع، جهت و گستره، در تفسیر المیزان

محمد آسنجانی^۱، علیرضا طبیبی^{۲*}، علی حسن بگی^۳، کیوان احسانی^۴

چکیده

یکی از نظریاتی که در حوزه علوم قرآنی مطرح می‌شود؛ نظریه پیوند معنایی آیات است. در این نظریه به هماهنگی و انسجام آیات و وحدت موضوعی قرآن توجه میشود و برای تبیین مفهوم یک آیه به سایر آیات مراجعه شده و با برقراری پیوند صحیح بین آیات، مراد الهی کشف میشود. این پژوهش به بررسی پیوند معنایی آیات از نظر نوع، جهت و گستره، در تفسیر المیزان میپردازد. روش جمعآوری مطالب در این پژوهش به صورت کتابخانهای بوده و روش پردازش به آنها به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد، یافته‌های به دست-آمده نشان می‌دهد که توجه به مشترکات مفهومی یا ساختاری، جمع بین مفاهیم و بررسی تفکیکی اجزای پیوند از مؤلفه‌های تأثیرگذاری معنایی آیات بر یکدیگر است. همچنین در انتخاب جهت پیوند معنایی، مؤلفه‌هایی نظیر مبنا قرار دادن احادیث معصومین(ع)، استفاده ترکیبی از تضاد و تفصیل، اصل قرار دادن اشتراک معنایی، قابل طرح است. در خصوص بررسی پیوند معنایی از نظر گستره توجه به آیات کلیدی که گستره وسیعی از آیات به وسیله آنها تفسیر می‌شود، آیات غرر، آیاتی که از منتها درجه صراحت برخوردارند و آیاتی که مفاهیم عام و پایه ای دارند، راهگشاست.

واژگان کلیدی: المیزان، پیوند معنایی آیات، ارتباط معنایی، تفسیر قرآن به قرآن

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، اراک، ایران

۲. استاد، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. استاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران

۴. دانشیار گروه آموزشی الهیات، اراک، ایران

نویسنده مسئول: علیرضا طبیبی

مقدمه و بیان مسئله

علامه طباطبائی معتقد است که برخی مفسران در تفسیر قرآن به قواعد عربی و لغوی اکتفا کرده و به سایر آیات مناسب و مرتبط مراجعه نمی‌کنند؛ درحالیکه در تفسیر هر آیه باید به آیات دیگر رجوع کرد و رجوع نکردن به دیگر آیات، مفسر را دام قول به غیر علم گرفتار می‌کند. (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۳: ص ۸۰). آیت الله جوادی نیز با تأکید بر این مسئله، عدم مراجعه به سایر آیات و جدا نمودن آیات در تفسیر را مصداق تفرقه ایجاد کردن بین آیات منسجم قرآن دانسته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۷۴، ص ۳۱). بنابراین ارتباط معنایی بین آیات و تفسیر آیات با دیگر آیات یکی از بهترین راه‌های تفسیر قرآن است که در مباحثی چون تخصیص، تقیید، نسخ، بسط مفهوم، تکمیل مفهوم خودنمایی می‌کند. لازم به ذکر است که این ارتباط معنایی نیازمند شناخت و پیروی یک سری اصول و قواعد و معیار صحیح است تا مفسر صرفاً به ذوق شخصی خود تکیه نکند و دچار خلط آیات و اخلال در مقصود قرآن و ضرب القرآن نشود؛ چرا که در روایات فریقین از آن نهی شده است. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲: ص ۸؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۲: ص ۱۰؛ کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲: ص ۶۳۲ و ج ۴: ص ۶۶۸). در همین راستا باید گفت که مبانی و معیارهای تشخیص آیات مفسر و برقراری ارتباط معنایی بین آیات، اهمیت زیادی دارد و ضرورت دارد که این مبانی و معیارها صحیح، دقیق و عالمانه انتخاب شود. همچنین شناسایی ارتباط آیات به لحاظ نوع و جهت و گستره و غیره، سبب ارائه تفسیر روشمند در این حوزه می‌شود و با ارائه مبانی صحیح در این حوزه، می‌توان از خطاهای تفسیری مصون ماند.

این تحقیق در تلاش است با بررسی تفسیر المیزان به عنوان یکی از برجسته‌ترین تفاسیر قرآن به قرآن، به تحلیل ارتباط آیات از نظر نوع، جهت و گستره پرداخته و بتواند مبانی و معیارهای پیوند معنایی آیات را ارائه دهد. به عبارت دیگر پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این پرسش‌ها در تفسیر المیزان است انواع پیوند معنایی آیات در المیزان چیست؟ کدام آیات و به چه علت به عنوان آیات تفسیرکننده انتخاب شده‌اند (از چه جهت آیات با هم ارتباط دارند)؟ آیات کلیدی و اصلی با چه معیاری انتخاب شده‌اند و چه گستره‌ای دارند؟

پیشینه پژوهش

در موضوعات مرتبط با این پژوهش می‌توان به پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد با عناوین «تحلیل و بررسی آیات غرر از دیدگاه علامه طباطبائی (ره) در تفسیر المیزان» (رنجبر، زهره، ۱۳۸۹) و «بررسی چگونگی تفسیر قرآن به قرآن در المیزان» (حکمت، محمدعلی، ۱۳۷۲) و مقاله پژوهشی با موضوع «معیارشناسی پیوند معنایی آیات» (فتحی، علی، ۱۳۸۶) اشاره کرد. لکن تا کنون پژوهشی مستقل با

هدف بررسی تحلیلی ارتباط معنایی آیات با این رویکرد انجام نشده است و این تحقیق اولین پژوهشی است که سعی در تحلیل ارتباط آیات در المیزان از نظر نوع، جهت و گستره را دارد.

پیوند معنایی آیات

در پیوند معنایی آیات، برای کشف مراد الهی، به قرآن به عنوان مجموعه‌ای واحد و به هم پیوسته نگاه می‌شود و برای تفسیر یک آیه و یا اظهار نظر در خصوص یک موضوع، کلیه آیات مرتبط را در سراسر قرآن بررسی شده و با برقراری پیوند مناسب بین آنها سعی می‌شود تفسیری صحیح و مرتبط با دیگر آیات، ارائه شود. مجموع‌نگری نسبت به تعالیم قرآن و به تبع آن برقراری پیوند بین آیات قرآن کریم از دیرباز بین علمای علوم قرآن و تفسیر مطرح بوده و به آن اشاره کرده‌اند (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ص ۸؛ ابن تیمیه، ۱۳۹۱ق، ص ۹۳؛ زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ص ۳۱۵؛ شنقیطی، ۱۴۲۷ق، ج ۱: ص ۷؛ خالد عبدالرحمن العک، ۱۴۰۶ق، ص ۷۹). بنا به نظر محققان شیخ طوسی و ابوعلی فارسی محقق قرن چهارم نیز به این دیدگاه توجه ویژه‌ای داشته‌اند (ایرانی‌قمی، ۱۳۷۱، ص ۹۳؛ مهدوی‌راد، ۱۳۸۲، ص ۱۰۶). به لحاظ عقلی نیز باید به یک متن و کتاب به صورت منسجم نگاه کرد و اگر در جایی از کتاب مطلبی به صورت مطلق و عام آمده و در جای دیگر قید و استثنای خاص آن ذکر شده است، لازم است، به مجموعه آن توجه شود و نتیجه‌گیری گردد (رضایی‌اصفهانی، ۱۳۸۲، ص ۶۵). برای اثبات لزوم مجموع‌نگری به قرآن دلایلی نظیر احادیث عرض^۱، احادیث پیرامون ارجاع آیات به یکدیگر و ارجاع متشابهات به محکمت^۲، مفاهیم آیات قرآن کریم مبنی بر به هم پیوستگی آیات و نبود اختلاف در قرآن^۳ و دلالت استقلالی قرآن در بیان مقاصد خویش^۴، وجود دارد.

۱. به عنوان نمونه می‌توان به حدیث «فما وافق کتاب الله فخذوه و ما خالف کتاب الله فدعوه» که از قول رسول الله (ص) (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ص ۶۹)، همان، ج ۱: ص ۱۷) و از قول حضرت علی (ع) (عباشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ص ۸۱)، (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۶۷) و از قول امام صادق (ع) (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ص ۷۲) نقل شده است؛ اشاره کرد. توجه به این نکته ضروری است که در نتیجه درک این نوع مخالفت با کتاب در گرو فهم دیدگاه کل قرآن در آن زمینه است و این نیازمند به تأمل و غور در آیات است (نजारادگان، ۱۳۸۷، ص ۱۵۹).

۲. حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: «ان کتاب الله بصدق بعضه بعضا» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۱). امام رضا (ع) می‌فرماید «من رد متشابه القرآن الی محکمه هدی الی صراط مستقیم» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ص ۲۹۰).

۳. مفاهیم آیاتی نظیر «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْخَبِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِي؛ خداوند بهترین گفتار را فرو فرستاده (به صورت) کتابی (که تمام آیات آن در فصاحت لفظ و متانت بیان و عمق محتوی) شبیه یکدیگر که هر یک از آياتش معطوف به دیگری و روشنگر و مفسر دیگری است» (زمر: ۲۳) بیانگر این است که میان معانی آیات قرآن ارتباط‌هایی وثیق وجود دارد. علامه طباطبائی ذیل این آیه مثنائی را جمع مثنیه به معنی معطوف می‌دانسته و بیان می‌کند انعطاف بعضی از آیات به بعضی دیگر همان رجوع آیات به یکدیگر برای روشن شدن معنای آنها توسط یکدیگر است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷: ص ۲۵۶).

۴. دلالت استقلالی قرآن در بیان مقاصد، بدین معناست که مفاد بسیاری از آیات بدون مراجعه به غیر قرآن، معلوم و روشن است. مقتضای نور بودن قرآن کریم آن است که قرآن در بیان خویش به غیرنیازمند نباشد (فتحی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۰). علامه طباطبائی

درباره معیارهای پیوند معنایی، باید گفت که به طور کلی معیارهای مختلفی را برای پیوند معنایی ذکر شده است. اما طی بررسی تحقیقات پیشین می‌توان گفت در این تحقیقات بیش از هر چیز به تأثیرگذاری معنایی آیات بر یکدیگر پرداخته شده و به جهت و گستره پیوند توجه چندانی نشده است (نजारزادگان، ۱۳۸۷، ص ۱۷۱؛ فتحی، ۱۳۸۶، ص ۴۵؛ اوسی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۵؛ رضایی-اصفهانی، ۱۳۸۲، صص ۸۷-۹۹). البته تنها آیه الله جوادی آملی اشارات کوتاهی به جهت پیوند معنایی داشته است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱: صص ۱۱۱-۱۲۸). درحالیکه چه آیه به عنوان تفسیر کننده و چه آیه ای به عنوان تفسیر شونده انتخاب شود؛ بیش از هر چیز در نتیجه به دست آمده از برقراری پیوند بین آیات تأثیر گذار است. گستره استفاده از آیات در تفسیر سایرین نیز بسیار حائز اهمیت است چرا که می‌تواند نقشه راهی برای مفسر باشد تا بتواند با شناسایی و انتخاب برخی آیات به عنوان آیات اصلی و کلیدی خود را از گرفتار شدن در ورطه ضرب القرآن برهاند.

با عنایت به آن چه گفته شد این تحقیق در صدد است با رویکرد قاعده سازی، «پیوندهای معنایی آیات» را در تفسیر المیزان در سه محور نوع، جهت و گستره مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

تحلیل پیوند معنایی آیات از نظر نوع

درباره پیوند معنایی آیات از نظر نوع، باید گفت که دارای بخش‌هایی است و پژوهش پیش رو با دسته‌بندی پیوند معنایی آیات از نظر تأثیرگذاری معنایی در سه محور کشف مشترکات آیات، جمع بین آیات و بررسی تفکیکی اجزای یک پیوند، از زاویه جدیدی این موضوع را مورد بررسی قرار دهد.

توجه به مشترکات آیات و احصاء آنها

اولین محوری که در تحلیل پیوند معنایی آیات به چشم می‌خورد توجه به مشترکات آیات می‌باشد. علامه طباطبائی با بهره‌گیری از این روش عصاره آیات گوناگون در یک موضوع را گرفته و از آن به عنوان زیر بنای مبحث خود بهره می‌گیرد. ایشان علاوه بر ۱- مشترکات مفهومی آیات به ۲- مشترکات ساختاری نیز توجه کرده و از این طریق با برقراری پیوند بین آیات نتایج قابل توجهی را به دست آورده است که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

مشترکات مفهومی

یکی از روش‌های علامه، اشتراک‌گیری بین مفاهیم آیه‌های مختلف است. درواقع ایشان مفاهیم آیات گوناگون را پیرامون موضوعی خاص بررسی کرده و مفهومی را که فصل مشترک تمامی آیات است

در این مورد می‌نویسد: «قرآن کلام یکنواختی است که هیچ گونه اختلافی در آن نیست و هرگونه اختلافی که به نظر می‌رسد به واسطه تدبر در خود قرآن حل می‌شود و اگر کلام خدا نبود این طور نبود. و اگر چنین کلامی در روشن شدن مقاصد خود حاجت به چیز دیگر یا کس دیگر داشت این حجت تمام نبود» (طباطبائی، ۳۸۷: ص ۷۷).

به عنوان مراد الهی در آن خصوص در نظر می‌گیرد. به عنوان مثال در مسئله هدایت و ضلالت، ایشان با استفاده از مفهوم مشترک چندین آیه نظریه‌ای در خصوص دو مرحله‌ای بودن هدایت و ضلالت ارائه داده است. در این راستا با توجه به مفاهیم آیات «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ» (ابراهیم: ۲۷) و «يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ» (حدید: ۲۸) و «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷) و «هَدَىٰ لِلْمُتَّقِينَ» (بقره: ۲)؛ در خصوص هدایت و با عنایت به مفاهیم آیات «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا» (بقره: ۱۰) و «وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ» (بقره: ۲۶) و «فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاعَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ» (صف: ۵) و «كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ» (غافر: ۳۴)، در موضوع ضلالت؛ نتیجه می‌گیرد هدایت و ضلالت دارای دو مرحله است یکی هدایت و ضلالت اول، که متقین یا کفار و منافقین به خاطر اعمالشان به آن مرحله رسیده‌اند و مرحله دوم هدایت و ضلالتی است که خداوند به عنوان پاداش یا مجازات به متقین یا منافقین و کفار می‌دهد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱: صص ۴۴-۴۵؛ همان، ج ۱: ص ۹۶). بنابراین یکی از روش‌های علامه در تحلیل پیوند معنایی آیات از نظر نوع، ارائه مشترکات مفهومی است.

مشترکات ساختاری

علامه در پیوند معنایی آیات به ساختار جملات نیز توجه کرده است و با کنار هم گذاشتن آیات هم ساختار در یک موضوع کلی توانسته است نتایج تفسیری قابل توجه‌ای به دست آورد. به عنوان مثال علامه با دقت در آیات «وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ» (اعراف: ۱۴۳) و «وَقَدْ خَلَقْنَاكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا» (مریم: ۹) و «فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ» (بقره: ۲۴۳) و «نَحْنُ نَزَّلُكُمْ وَآيَاهُمْ» (انعام: ۱۵۱) و «رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ» (طه: ۵۰) و «ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا» (توبه: ۱۱۸) که در ساختار آنها از کلمات و عباراتی نظیر «لَمَّا»، «مِنْ قَبْلُ» و «ثُمَّ» استفاده شده که نشان دهنده مرور زمان است، نتیجه می‌گیرد اوصافی از خدای متعال مانند «خلقت»، «میراندن و زنده کردن»، «رازق بودن» و ... که وابسته به افعال است، زمانی هستند یعنی بر خلاف علم، قدرت و حیات که صفات ذاتند اینها صفات افعال خداوند می‌باشند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۲: ص ۳۱۶). بنابراین یکی دیگر از روش‌های علامه در پیوند معنایی آیات توجه به مشترکات ساختاری آیات است که توانسته بر اساس آن تفسیر قابل قبولی ارائه دهد.

جمع بین مفاهیم آیات

دومین محوری که در تحلیل پیوند معنایی آیات وجود دارد و از معمول‌ترین روش‌ها در برقراری پیوند معنایی است، جمع بین مفاهیم آیات گوناگون پیرامون موضوعی خاص است که در ادامه به انواع آن در تفسیر المیزان خواهیم پرداخت.

صِرْف جمع آیات

علامه زمانی از این شیوه استفاده کرده که آیات همگی از یک وزن تفسیری برخوردار بوده و هیچ یک بر دیگری تقدم و یا برتری ندارد. برای مثال اگر آیات خاص و عام یا تفسیر کننده و تفسیر شونده نباشد. بلکه همگی به عنوان مجموعه‌ای از آیات نظر قرآن در خصوص مفهوم و یا موضوعی خاص را مشخص می‌کنند. به عنوان مثال در موضوع خلقت آسمان‌ها و زمین ایشان با اشاره به آیه «وَأَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا» (انبیاء: ۳۰) بیان می‌کند آسمان‌ها و زمین قبل از آنکه به شکل فعلی در آیند و از یکدیگر جدا و متمایز شوند به صورت یکپارچه بوده‌اند و بنا بر آیه‌های «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ انثَبَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ» (فصلت: ۱۰-۱۲) بیان می‌کند جنس ابتدایی آسمان‌ها دخان بوده و در مدت دو روز (به معنای مقدار معینی از زمان) آفریده شده‌اند و با توجه به آیه‌های «أَلَمْ تَرَ يَا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا» (نوح: ۱۵) و «سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا» (ملک: ۳) مشخص می‌شود آسمان‌ها به صورت هفت طبقه روی هم می‌باشند. خلقت زمین نیز با عنایت به آیه «خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ» (فصلت: ۹) در دو روز (دو مرحله از زمان) انجام شده است. لذا ایشان در خصوص خلقت آسمان‌ها نظری متحصل از مجموع این آیات را ارائه کرده و بیان می‌کند خلقت آسمان و زمین از عدم نبوده است بلکه در ابتدا ماده‌ای روی هم انباشته بوده که برخی اجزایش از برخی دیگر جدا شده و و زمین در دو برهه از زمان قرار داده شده است و آسمان نیز در ابتدا ماده‌ای دود مانند بوده و جدا شده و هفت آسمان نیز در دو برهه از زمان بنا نهاده شده‌اند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۰: ص ۱۴۹-۱۵۱). در خصوص مراحل و مدت زمان خلقت نیز از کلام ایشان اینگونه استنباط می‌شود که خلقت آسمان‌ها و زمین شامل خلقت آسمان در دو روز (فصلت: ۱۲)، خلقت زمین در دو روز (فصلت: ۱۲) می‌باشد لکن جداسازی آسمان و زمین (انبیاء: ۳۰) نیز جزئی از خلقت است و آیات سوره فصلت اینگونه با بسیاری از آیات که خلقت آسمان و زمین را در شش روز بیان می‌کنند قابل جمع است. ایشان در سایه این نظریه تقدیر اقوات در زمین که در سوره مبارکه فصلت در چهار روز بیان شده است را جزئی از خلقت ندانسته و با ذکر این نکته که خلق با تقدیر متفاوت است از این چهار روز تعبیر به چهار فصل سال می‌کند (همان، ج ۱۷: ص ۳۶۴).

بنابراین یکی دیگر از روش‌های علامه در پیوند معنایی آیات، صرف جمع آیات است که توانسته نظر صحیحی از مجموع آیات ارائه دهد.

تفسیر موضوعی

علامه بارها در میزان آیات مختلف را پیرامون موضوعی واحد ذکر کرده است و به بررسی استعمالات و آیات دارای تشابه لفظی و معنوی پرداخته است. (غلامی، ۱۳۹۰، ص ۸۵) این

روش (تفسیر موضوعی) با هدف کشف مراد الهی پیرامون یک موضوع می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱: ص ۲۱). علامه از این روش به وفور استفاده کرده است. برای مثال: فتنه در قرآن (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۲: ص ۸۹)، صلاح نفس در قرآن (همان، ج ۱: ص ۴۵۹)، کتاب در قرآن (همان، ج ۷: ص ۳۵۰)، قلب در قرآن (همان، ج ۹: ص ۵۷)، روح در قرآن (همان، ج ۲۰: ص ۲۸۰) و غیره وجود دارد که در ادامه به بررسی تحلیلی پیوند معنایی آیات از نوع تفسیر موضوعی در المیزان پرداخته می‌شود.

ترکیب مفاهیم آیات

علامه طباطبائی از ترکیب مفاهیم به شکل گسترده در المیزان استفاده کرده است. مباحثی نظیر اطلاق و تقييد، خاص و عام، اجمال و تفصيل و غیره نیز در این تقسیم بندی وجود دارد و تمامی آنها شامل پیوند معنایی بین آیات و ترکیب مفاهیم آنها است که منجر به تأثیرگذاری معنایی آیات بر یکدیگر می‌شود. علاوه بر این نوع ترکیب مفاهیم آیات گاهی علامه با هدف خلق مفهوم جدید برخی آیات را با یکدیگر ترکیب می‌کند. در ادامه هر دو نوع ترکیب که در المیزان مورد استفاده علامه طباطبائی قرار گرفته است بیان می‌گردد.

ترکیب با هدف خلق مفهوم جدید

یکی از روشهایی که علامه به وفور در تفسیر المیزان برای کشف مراد الهی از آن بهره گرفته است تعمق در مفاهیم دسته‌ای از آیات و استخراج مفهومی جدید از ترکیب آیات می‌باشد. به عنوان مثال ایشان مفاهیم آیه‌های «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (رعد: ۱۶) و «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (سجده: ۷) را ترکیب کرده و توضیح می‌دهد چون هر چیزی که بتوان او را «شیء» نامید مخلوق خداست و هر چه که مخلوق خداست به حسن متصف است پس هر چیزی از این نظر که مخلوق خداوند است سراپا حُسن است و اگر بدی و زشتی بر آن عارض شد از جهت نسبت، اضافات و امور دیگر است و مربوط به حقیقت آن چیز که به خدای سبحان منتسب است نمی‌شود. (ر.ک طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۷: ص ۲۹۶) در واقع علامه از ترکیب مفاهیم این دو آیه که هر دو نیز جزء آیات عام و محکم قرآن کریم به شمار می‌روند نتیجه‌ای مهم می‌گیرد که هر جا که در قرآن کریم به مفاهیمی نظیر سیئه، ظلم، گناه و امثال آن برمی‌خوریم؛ باید توجه داشت این معانی عنوان‌هایی غیر حقیقی هستند یعنی هیچ انسان گنهکاری خودش و گنااهش مجموعاً مخلوق خدا نیستند، بلکه هر چند خودش مخلوق خدای متعال می‌باشد گنااهش انتسابی به خالق هستی ندارد.

ترکیب با هدف تأثیرگذاری معنایی

مواردی از قبیل اجمال و تفصيل، اطلاق و تقييد، عموم و خصوص، اجمال و تبیین، ناسخ و منسوخ و ... در این بخش تقسیم بندی می‌گردد که در المیزان به فراوانی از آنها استفاده شده است. از آنجایی

که این ترکیب معنایی از دیرباز مطرح شده و مثالها و بحثهای فراوانی توسط محققان در این خصوص انجام شده است برای جلوگیری از اطناب و تکرار از ذکر مثال در این خصوص خودداری می‌کنیم.

تحلیل پیوند معنایی آیات از نظر جهت

یکی از مهم‌ترین مواردی که در کیفیت پیوند معنایی آیات تأثیر مستقیم دارد؛ انتخاب جهت پیوند است. یعنی کدام آیه به عنوان تفسیرکننده و کدام به عنوان تفسیر شونده انتخاب گردد. علامه به خاطر دقت فراوان، انس فراوان با قرآن، اشراف بر احادیث معصومان (رستمی، ۱۳۸۰، ج ۱: ص ۵۸) و غیره انتخاب‌های دقیقی داشته است که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

انتخاب جهت پیوند آیات بر اساس «مفهوم به دست آمده از احادیث معصومین (ع)»

علامه معتقد است که یکی از شرایط مفسر، تسلط و اشراف بر احادیث است که این اشراف با مطالعه و ممارست در روایات به دست می‌آید؛ به عبارت دیگر، تنها کسی می‌تواند ارتباط معنایی آیات را با یکدیگر به طور صحیح برقرار کند که با احادیث و معارف معصومان (ع) کاملاً آشنا باشد (ر.ک طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۳: ص ۸۷). از سخنان علامه اینگونه استنباط می‌شود که روش ایشان در نحوه مرتبط کردن آیات با یکدیگر و انتخاب آیات تفسیرکننده و تفسیر شونده در میزان؛ به شکل مستقیم با احادیث معصومان (ع) در ارتباط است. ایشان در موارد بسیاری از مفهوم روایت به عنوان اصل و زیربنایی برای انتخاب آیه تفسیرکننده استفاده کرده است. به عنوان مثال آیه «إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ» (یونس: ۹۳) را به وسیله آیه «فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ فُضِيَ بِالْحَقِّ» (غافر: ۷۸) و آیه «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ» (بقره: ۲۱۰) را به وسیله «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرُ رَبِّكَ» (نحل: ۳۳) تفسیر کرده است (همان، ج ۲: ص ۱۰۳). طی بررسی انجام شده مشخص شد علامه با توجه به مفهوم روایتی از امام رضا (ع) با مضمون «... سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا» فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُوصَفُ بِالْمَجِيءِ وَالدَّهَابِ تَعَالَى عَنِ الْإِنْتِقَالِ إِمَّا يَعْنِي بِدَلِكِ وَجَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا...» از امام رضا (ع) در خصوص معنای آیه «وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا» (فجر: ۲۲) پرسیدم. ایشان فرمود خداوند به رفتن و آمدن وصف نمی‌شود، منزه است از انتقال جسمانی. معنای آیه این است که امر خداوند و فرشتگان صف در صف درآیند...» (صدوق، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ص ۱۲۶)؛ آیات تفسیرکننده را انتخاب کرده است. بنابراین یکی دیگر از روش‌های علامه مبنا قرار دادن مفاهیم روایات و استفاده از آیاتی است که مفاهیم آن در احادیث معصومان وجود دارد.

استفاده ترکیبی از «تضاد و تفصیل» در انتخاب جهت پیوند معنایی

یکی از روش‌های معمول برای تعریف و توضیح در خصوص مفاهیم، نفی مفهوم متضاد است. مثلاً اگر پرسیده شود صادق به چه معناست؟ می‌توان گفت: کسی را که دروغ نمی‌گوید؛ صادق می‌نامند.

علامه در تفسیر آیه «خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ» (عنکبوت: ۴۴) و برخی از آیات دیگر که در مورد خلقت «بالحق» آسمان و زمین صحبت کرده‌اند، از آیه «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِاعْبَيْنَ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (دخان: ۳۸-۳۹) بهره گرفته و مراد از حق بودن خلقت آسمانها و زمین را این می‌داند که در خلقت آنها بازچه‌ای در کار نیست (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۶: ص ۱۳۲؛ ج ۱۲: ص ۴۱ و ص ۱۸۸؛ ج ۱۴: ص ۳۴۶؛ ج ۱۹: ص ۲۵۹). به نظر می‌رسد علت انتخاب علامه این باشد که آیه سوره دخان مفصل‌تر بوده و علاوه بر مفهوم آیه سوره عنکبوت متضاد آن را نیز ذکر و نفی کرده است.

توجه به «درجه وضوح آیات در دلالت» در انتخاب جهت پیوند معنایی

علامه ذیل آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ» (یونس: ۹) در توضیح اینکه چرا علی‌رغم اینکه در ابتدای آیه بهشتیان با ایمان و عمل صالح توصیف شده‌اند ولی هدایت تنها به ایمان مختص شده است به آیات «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله: ۱۱) و «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (فاطر: ۱۰) اشاره کرده و نتیجه می‌گیرد تنها عاملی که بنده خدا را به مقام قرب نزدیک می‌کند؛ ایمان است و اعمال صالح یاری‌گر ایمان هستند. لکن ایشان نعمت‌های بهشتی و عذاب‌های جهنم را محصول عمل صالح و یا ناصالح می‌دانند (همان، ج ۱۰: ص ۱۶). بنابراین علامه در انتخاب جهت پیوند معنایی به «درجه وضوح آیات در دلالت» توجه داشته است و سعی نموده انتخاب‌های دقیقی در تفسیر خود ارائه دهد.

بهره‌گیری از «روش کلی قرآن در بیان مطالب» در انتخاب جهت پیوند معنایی

یکی دیگر از روش‌های علامه بهره‌گیری از روش کلی قرآن در بیان مطالب در انتخاب آیات جهت پیوند معنایی است. برای مثال در آیه «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ» (قصص: ۵۶) خداوند هدایت را از پیامبر اکرم (ص) سلب می‌کند؛ علامه با شناختی که از روش قرآن در بیان افعال و صفاتی الهی و همچنین برخی ویژگی‌های پیامبران و یا حتی ملائکه دارد این آیه را با استفاده از آیات «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ» (ابراهیم: ۱) و «وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (شوری: ۵۲) تفسیر کرده و بیان می‌کند آیه سوره قصص اصالت و استقلال رسول خدا (ص) در هدایت را سلب می‌کند چون در آیات سوره‌های ابراهیم و شوری مستقیماً هدایت را از ویژگی‌های پیامبر اکرم (ص) دانسته است (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۲: ص ۷). اینگونه انتخاب آیات توسط علامه ناشی از اشراف ایشان به روش قرآن در بیان مسائلی از این قبیل است که اینک در موضوعاتی نظیر شفاعت، علم به غیب نیز قرآن همین روش را برای بیان معارف دارد.

لزوم برقراری ارتباط دو سوپه در پیوند معنایی آیات نظیر

در میزان از برخی آیات به عنوان نظیر یکدیگر یاد شده است. هر چند برخی محققان برای آیات نظیر معنای عام قائل شده و آیاتی که از لحاظ لفظی یا معنوی به یکدیگر شباهت داشته و در تفسیر یکدیگر نقش دارند را آیات نظیر می‌دانند (شمس اشراق، ۱۳۹۸، ص ۳۱) لکن با توجه به جستجوی انجام شده در میزان به نظر می‌رسد آیاتی را که علامه مستقیماً از آنها به عنوان نظیر یکدیگر یاد کرده است علاوه بر تشابه موضوعی و اسلوبی خاصی که باهم دارند از یک درجه اهمیت در تفسیر برخوردار می‌باشند.^۱ در واقع هر دوی آن‌ها به عنوان تفسیرکننده یکدیگر عمل می‌کنند. برای روشن شدن موضوع می‌توان به آیات «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (نحل: ۴۰) و «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس: ۸۲) اشاره کرد. علامه این دو آیات را نظیر یکدیگر دانسته و معتقد است با عنایت به مفاهیم این دو آیه امر خدای متعال و قولش یکی است (طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۱۲: ص ۲۴۸).

تحلیل پیوند معنایی آیات از نظر گستره

این موضوع که در میزان از برخی آیات استفاده گسترده‌ای در تفسیر سایر آیات شده است از سه وجه قابل بررسی است. یکی از آنها استفاده از آیات محکمی نظیر آیه شریفه «لیس کمثله شیء» (شوری: ۱۱) در تفسیر سایر آیات می‌باشد. ذکر این نکته نیز ضروری است که صرف اینکه از آیه‌ای به عنوان آیه محکم یاد می‌شود نمی‌تواند دلیل بر این باشد که لزوماً بایستی از این آیه استفاده فراوانی در تفسیر سایر آیات کرد، بلکه آیه محکم تنها در موضوع مستقیم خودش محل رجوع است. مثلاً در بررسی و سنجش گستره استفاده از مفهوم آیه «لیس کمثله شیء» (شوری: ۱۱) در میزان مشخص شد که استفاده از آن در تفسیر سایر آیات کمتر از حد انتظار بوده است و علامه تنها در برخی موارد با استفاده از این آیه صفات جسمانی را از خداوند متعال دفع نموده است. توجه به این نکته نیز

۱. ایشان در حدود هفتاد مورد آیاتی را که با یکدیگر تشابه خاص لفظی و اسلوبی دارند را نظیر یکدیگر معرفی کرده است. در بررسی موردی سوره مبارکه بقره، برخی از این آیات عبارتند از: آیه «وَقَالُوا قَوْلُنَا غُلْفٌ» (بقره: ۸۸) نظیر با «(وَقَالُوا قَوْلُنَا فِي آيَاتِنَا مِمَّا نَدْعُونَ إِلَيْهِ» (فصلت: ۵) (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۲۰)، آیه «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ، وَ لَكِنَّ لَا تَشْعُرُونَ» (بقره: ۱۵۴) نظیر با «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا، بَلْ أَحْيَاءٌ، عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران: ۱۶۹) (همان، ج ۱: ص ۳۴۶)، آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ» (بقره: ۱۹۳) نظیر با «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ... وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ» (انفال: ۳۹-۴۰) (همان، ج ۲: ص ۶۲) و آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (بقره: ۲۰۸) نظیر با آیات «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا، وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ، إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَ الْفَحْشَاءِ، وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۶۸-۱۶۹) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَ مَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ، فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ» (نور: ۲۱) و «كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (انعام: ۱۴۲) (همان، ج ۲: ص ۱۰۲).

ضروری است که در موضوعات دیگر این آیه نیز مانند سایر آیات و در وزن آنهاست مثلاً اگر بخواهیم درباره معنای کلمه «مثل» صحبت کنیم آیه «لیس کمثله شیء» (شوری: ۱۱) دیگر یک آیه محکم نیست و تنها مثالی است مانند سایر آیات. علامه از این آیه ۲۳ بار در المیزان یاد کرده است. از این تعداد چهار بار آن را تنها به عنوان مثالی برای آیات محکم، نه بار برای توضیح روایت در بحث روایی، هفت بار برای پاسخ به اعتقادات انحرافی در خصوص تجسم خداوند و تنها سه بار از آن به عنوان آیه مفسر برای آیات «وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَى» (نحل: ۶۰)، «و شهد شاهد من بنی اسرائیل علی مثله» (احقاف: ۱۰) و «و جاء ربک و والملک صفاً صفاً» (فجر: ۲۲) استفاده کرده است.

وجه دوم استفاده از آیاتی است که علامه در متن تفسیر از آنها به عنوان آیه غرر یاد کرده است. تفاوت این آیات با آیات محکم در این است که علامه محتوای این آیات را به عنوان یک اصل کلی در نظر گرفته و نه تنها آیاتی که ارتباط مستقیم با موضوع آنها دارد را به وسیله این آیات تفسیر می‌کند بلکه با اصل قرار دادن مفهوم آیات کلیدی گستره‌ی فراوانی از آیات را به وسیله آنها تفسیر می‌کند.

وجه سوم آیاتی است که نه به عنوان آیات محکم معروف هستند و نه از آنها به عنوان آیات غرر یاد شده است لکن با واکاوی المیزان مشخص می‌شود علامه با استفاده از آنها گستره فراوانی از آیات را تفسیر کرده است. کشف این آیات مشخص می‌کند آیات زیربنایی مورد استفاده علامه در همان حدود ۲۷ آیه‌ای که علامه از آنها به عنوان غرر یاد کرده است خلاصه نمی‌گردد.

پس می‌توان با مطالعه المیزان با رویکردی جدید معیارهای عام‌تری را برای شناسایی آیات کلیدی که گستره قابل توجهی از سایر آیات به وسیله آنها تفسیر می‌گردد را به شکل زیر ارائه کرد. در ذیل با تحقیق در المیزان^۱ علاوه بر توضیح آیات غرر به آیات دارای اوج صراحت و آیات دارای مفهوم پایه‌ای و عمومی اشاره شده است.

استفاده از «آیات غرر» به عنوان آیات کلیدی

علامه طباطبائی در طول تفسیر المیزان از آیات ۱۷، ۲۸، ۳۹، ۴۲ «رعد»، ۲۱ «حجر»، ۷۷ «نحل»، ۱۱۰ «اسراء»، ۸ «طه»، ۲۵ و ۳۵ «نور»، ۳۰ «لقمان»، ۸۲ و ۸۳ «یس»، ۳۲ «ق»، ۵۳ «ذاریات»، ۳۹ و ۴۲ «نجم»، ۴۹ «قمر»، ۱۸-۲۴ «حشر»، ۳ «طلاق»، ۱۹ «انفطار» به عنوان آیات غرر نام برده‌اند (حاجی-خانی، ۱۳۹۴، ص ۵۷). منظور از آیات غرر آیات کلیدی هستند که مفاهیم بسیاری از آیات توسط آنها قابل تفسیر است. آیت‌الله جوادی بعد از ذکر برخی آیات غرر در المیزان بیان می‌کند بدون شناخت

۱. در این بخش برای به دست آمدن نتیجه بهتر و قابل استناد، یک موضوع واحد (افعال الهی به عنوان یکی از موضوعات هفتگانه المیزان که علامه در مقدمه به آنها اشاره کرده است) انتخاب شده و کلیه آیات مربوط به آن در المیزان مورد بررسی قرار گرفته است.

آیات زیربنایی هیچ آیه‌ای فهمیده نمی‌شود زیرا این بخش از قرآن عهده‌دار قواعد کلی قرآن‌شناسی می‌باشند و با نیل به این قواعد کلی دیگر آیات قرآنی روشن می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۷۴، ص ۳۰).

این نکته که علامه طباطبائی از هر یک از این آیات در موضوع خود به عنوان آیات اصلی و کلیدی در میزان بهره برده و آیات فراوانی را به وسیله آنها تفسیر کرده است در تحقیقات متعددی به اثبات رسیده است (رنجبر، زهره؛ تجری، محمدعلی، ۱۳۸۹؛ حاجی خانی، ۱۳۹۴؛ روحی، کاوس، ۱۳۹۳).

حال در اینجا به عنوان نمونه در خصوص آیه ۱۷ سوره مبارکه رعد ارائه می‌گردد. علامه در خصوص این آیه بیان می‌کند مفهوم این آیه در کلیه افعال الهی جاری است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۳: ص ۶۱). ایشان از این آیه ۲۴ بار در میزان یاد کرده و در تمامی موارد از آن به عنوان آیه تفسیر کننده استفاده کرده است. مقایسه این نتیجه با آمار آیه «لیس کمثله شیء» (شوری: ۱۱) که تنها سه مرتبه از آن به عنوان آیه تفسیر کننده استفاده شده حاکی از اهمیت آیه هفدهم سوره رعد در تفسیر است. استفاده‌های فراوانی که علامه از مفهوم این آیه در تفسیر سایر آیات مربوط به موضوع افعال الهی کرده نشان دهنده این مطلب است که آیه هفدهم سوره رعد یکی از آیات کلیدی است که علامه عملاً در میزان از آن بهره فراوان برده است. ایشان از این آیه برای بیان معارفی نظیر: یکسان بودن فیض خداوند نسبت به همه و تفاوت در قلوب و افهام در کسب معارف و کمالات و بهره بردن کس به اندازه ظرفیت خود (همان، ج ۱: صص ۳۲-۳۵؛ ج ۵: ص ۱۳؛ ج ۱۸: ص ۵۶)؛ خداوند فیض رساننده وجود و منشأ تمام خوبی‌ها نظیر قول و فعل نیکو منبع تمام خیر، سعادت و برکت است (همان، ج ۲: ص ۱۸۸)؛ تنازع حق و باطل منجر به حفظ حق می‌گردد (همان، ج ۳: ص ۳۰۵)؛ از آنجا که حق همیشه ماندنی است و باطل زایل شدنی از طریق باطل نمی‌توان به آثار حق رسید (همان، ج ۲: ص ۳۵۸)؛ جاری بودن حکم این مثال در اقوال خداوند و ذکر این نکته که متشابهات قرآن مصداقی از این مثال قرآن هستند چراکه این آیات حاوی معنایی حق است لکن این معنا همراه با برخی ظواهری است که مراد اصلی نیست، در واقع معنای اصلی در حکم همان آب نافع است و مابقی اضافاتی غیر مقصود است (همان، ج ۳: ص ۶۱)؛ تفکیک بین حقیقت دنیا که همان سعادت ابدی است با اموری مانند مال و جاه و ... که لهو و لعب است و جز خیال، مبنا و اساس دیگری ندارد (همان، ج ۶: ص ۳۷۶)؛ بهره‌گیری عقل بشری به اندازه ظرفیت خود از معارف الهی و عدم ظرفیت آن برای درک حقایق الهی و آسمانی به شکل کامل و همان طور که هست (همان، ج ۷: ص ۱۲۲)؛ جدانشدن حق از باطل و نابود شدن حق یک قانون کلی الهی

۱. فبین أن حکم المثل جار فی أفعاله تعالی كما هو جار فی أقواله، ففعله تعالی کقولہ الحق إنما قصد منهما الحق الذي یحویانه و یصاحب کلا منهما أمور غیر مقصودة و لا نافعة یعلوهما و یربوهما لکنها ستزول و تبطل، و یرقی بالحق الذي ینفع الناس، و إنما یزول و یرحق بحق آخر هو مثله، و هذا کالآیة المتشابهة تتضمن من المعنی حقاً مقصوداً، و یصاحبه و یعلو علیه بالاستباق إلى الذهن معنی آخر باطل غیر مقصود، لکنه سیزول بحق آخر یظهر الحق الأول علی الباطل الذي کان یعلوه.

است (همان، ج ۹: ص ۷۵؛ ج ۱۰: ص ۱۱۱)؛ در داستان موسی (ع) سحر ساحران از آن جهت که باطل است نابود گردید (همان، ج ۱۴: ص ۱۷۹)؛ جز ذات مقدس خداوند همه چیز در عالم آمیخته‌ای از باطل دارد و اساس نظام خلقت نیز امتزاج حق و باطل است (همان، ج ۱۴: ص ۳۶۴)؛ بهره برده است. لذا مشخص می‌شود علامه که از این آیه با عبارت «و الآیة الکریمة من غرر الآیات القرآنیة» (طباطبائی، ج ۱۱: ص ۳۳۵) عملاً به توصیف خود پایبند بوده و استفاده فراوان و گسترده‌ای از این آیه در المیزان داشته است.

استفاده از «آیه داری اوج صراحت» به عنوان آیه اصلی و محل رجوع

به عنوان مثال از آنجا که مفهوم آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ» (اعراف: ۲۸) صراحت کامل دارد علامه از آن استفاده فراوانی در موضوع افعال الهی داشته است. ایشان ۱۵ بار از این آیه در تفسیر سایر آیات بهره برده است و معارفی نظیر جاری بودن احکام عقل در تشریح و قانونگذاری توسط خدای متعال و در افعال الهی (طباطبائی، ج ۴: ص ۹۵؛ ج ۷: ص ۱۲۳؛ ج ۱۰: ص ۱۵۴)؛ نفی جبر و تفویض (همان، ج ۱ ک ص ۱۰۴)؛ اثبات اختیار انسان و تأثیر اعمالش (همان، ج ۱: ص ۳۵۸)؛ نفی انتساب معصیت و بدی به خدای متعال (همان، ج ۳: ص ۱۳۸؛ ج ۷: ص ۲۹۵؛ ج ۱۳: ص ۶۰)؛ موافقت شریعت با فطرت (همان، ج ۷: ص ۳۱۷)؛ را به وسیله این آیه بیان کرده است. در واقع می‌توان گفت علامه از این آیه به عنوان آیه‌ای محکم بهره برده است و هر جا شائبه‌ای از انتساب امور سوء به ذات اقدس الهی پیش آمده است با کمک این آیه رفع شائبه کرده و به تفسیر صحیح رسیده است. بنابراین یکی از روش‌های علامه، استفاده از «آیه داری اوج صراحت» به عنوان آیه اصلی و محل رجوع است که توانسته گستره پیوند معنایی آیات را به خوبی نشان دهد.

استفاده از «آیه دارای مفهوم پایه‌ای و عمومی» به عنوان آیه اصلی و محل رجوع

آیت الله جوادی در خصوص بهره‌گیری از آیات دارای مفهوم پایه‌ای و عمومی می‌نویسد: «در روش قرآن به قرآن، هر آیه از قرآن کریم، با تدبّر در سایر آیات قرآنی و بهره‌گیری از آنها باز و شکوفا می‌شود. تبیین آیات فرعی به وسیله آیات اصلی و محوری و استناد و استدلال به آیات قوی‌تر در تفسیر، بر این اساس است که برخی از آیات قرآن کریم همه موارد لازم را برای پی‌ریزی يك بنیان مرصوص معرفتی در خود دارد و برخی از آیات آن تنها عهده دار بخشی از مواد چنین بنایی است. آیات دسته دوم با استمداد از آیات گروه اول تبیین و تفسیر می‌شود» (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱: ص ۶۱) علامه نیز از آیات دارای مفهوم پایه‌ای و عمومی استفاده نموده است برای مثال در موضوع افعال الهی و خصوصاً مسئله هدایت از آیه «الَّذِي أُعْطِيَ كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه: ۵۰) به صورت گسترده‌ای استفاده کرده است. ایشان حدود ۳۳ مورد از این آیه در تفسیر سایر آیات بهره برده و هر جا سخن از هدایت خداوند که شامل

حال همه خلایق می‌شود به میان آمده است آن را هدایت تکوینی دانسته و با این آیه مفهوم این نوع هدایت را توضیح داده است. در واقع می‌توان گفت علامه از این آیه به عنوان یک آیه کلیدی استفاده کرده و آن را عصاره نظر قرآن در خصوص هدایت تکوینی می‌داند که یک مفهوم کلیدی و منحصر به فرد برای تبیین آیات هم‌موضوع می‌باشد. به عنوان مثال در تفسیر آیه «فَإِنَّهٗ سَيَهْدِين» (زخرف: ۲۷) که در خصوص هدایت بی‌قید و شرط الهی است علامه می‌نویسد: «فعلى الرب المدبر لأمر مربوبه أن يهديه إلى كماله و سعادته، قال تعالى «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه: ۵۰)» (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ص ۹۶) و یا در تفسیر «فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰) که مربوط به فطرت خداجوی کلیه انسان‌ها اعم از مؤمن و کافر است می‌نویسد: «و هذا التوجه التكويني لاستناده إلى الله يسمي هداية عامة إلهية... قال تعالى «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه: ۵۰)» (همان، ج ۱۶: ص ۱۹۰)؛ همچنین در تفسیر آیه «فَهُوَ يَهْدِين» (شعراء: ۷۸) نیز که مربوط به هدایت عام خداوند است می‌نویسد: «فيكون الآية في معنى ما حكاه الله عن موسى إذ قال لفرعون: «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه: ۵۰)» (همان، ج ۱۵/۲۸۳). بررسی آیات مربوط به هدایت الهی نشان می‌دهد علامه در سایر موارد نیز از این آیه به همین روش بهره برده است. (طباطبائی، ج ۲: ص ۱۱۵، ۱۳۰، ۲۷۳، ۳۵۶؛ ج ۳، ص ۳۰۲؛ ج ۴: ص ۳۱؛ ج ۵: ص ۱۵، ص ۳۰۸؛ ج ۷: ص ۳۹۴، ص ۳۱۵؛ ص ۳۴۶؛ ج ۱۰: ص ۵۷، ص ۸۵؛ ص ۲۶۰؛ ج ۱۲: ص ۱۴۴، ص ۲۱۲، ص ۳۰۲؛ ج ۱۳: ص ۳۲۷؛ ج ۱۶: ص ۱۷۸؛ ج ۱۹: ص ۳۹۴؛ ج ۲۰: ص ۳۰۵).

بررسی تحلیلی نظریه پیوند معنایی آیات از نظر نوع، جهت و گستره، در تفسیر المیزان	
۱- بیان مسئله	علامه در بحث ارتباط معنایی آیات و استفاده تفسیری از آیات قرآن از چه مدل‌هایی استفاده کرده و ارتباط بین آیات چه بوده است؟
۲- پیشینه	۲- پایان‌نامه و ۱- مقاله با عنوان معیارشناسی پیوند معنایی آیات از آقای علی فتحی مرتبط با موضوع هست اما این مقاله کاملا متفاوت با آن‌هاست.
۳- پیوند معنایی آیات	در این رویکرد برای کشف مراد الهی، به قرآن به عنوان مجموعه‌ای واحد و بهم‌پیوسته نگاه می‌شود؛ دانشمندان علوم اسلامی در آثارشان به این ارتباطات اشاره کرده‌اند و ادله فراوانی برای اثبات آن وجود دارد.
۳-۱- تحلیل پیوند معنایی آیات از نظر نوع	در این بخش ارتباط آیات از نظر نوع تحلیل می‌شود که خود این قسمت دارای چند بخش است
۳-۱-۱- توجه به مشترکات آیات و احصاء آنها	در این بخش اشتراکات آیات، در دو بخش ۱- مشترکات مفهومی آیات؛ ۲- مشترکات ساختاری بررسی می‌شود.
۳-۱-۲- جمع بین مفاهیم آیات	علامه در جمع بین مفاهیم به چند روش عمل کرده است از جمله: ۱- صرف جمع آیات؛ ۲- تفسیر موضوعی، ۳- ترکیب مفاهیم آیات؛ بخش

<p>ترکیب نیز با ۲ هدف انجام شده است؛ ۱- ترکیب با هدف خلق مفهوم جدید، ۲- ترکیب با هدف تأثیرگذاری معنایی</p>	
<p>این که کدام آیه با کدام آیات ارتباط داده شوند و تفسیر شوند اهمیت ویژه‌ای دارد و علامه به خاطر دقت فروان، انس فراوان با قرآن، اشراف بر احادیث معصومان و غیره انتخاب‌های دقیقی داشته است.</p>	<p>۲-۳- تحلیل پیوند معنایی آیات از نظر جهت</p>
<p>علامه به دلیل تسلط بر مفاهیم روایات، آیات را به گونه‌ای با هم پیوند می‌داد که مفاهیم مستخرج، همان مفاهیم روایات باشد این مسئله خصوصاً در مسائل کلامی مشهود است.</p>	<p>۳-۲-۱- انتخاب جهت پیوند آیات بر اساس «مفهوم به دست آمده از احادیث معصومین(ع)»</p>
<p>علامه در مواردی از آیاتی که مسئله منفی‌ای را از خدا نفی می‌کند؛ برای تفسیر آیات مثبت درباره خدا استفاده می‌کند؛ به عبارت دیگر هر دو آیه یک مفهوم را دارد اما یکی ساختار مثبت دارد و دیگری نفی مسائل منفی است که در نهایت ساختار مثبت دارد.</p>	<p>۳-۲-۲- استفاده ترکیبی از «تضاد و تفصیل» در انتخاب جهت پیوند معنایی</p>
<p>علامه برای تفسیر آیات سعی می‌کند از آیاتی که در جه وضوح بالایی در دلالت دارد؛ استفاده کند تا مفهوم آیه به خوبی روشن و واضح شود.</p>	<p>۳-۲-۳- توجه به «درجه وضوح آیات در دلالت» در انتخاب جهت پیوند معنایی</p>
<p>علامه با توجه به اشرافی که بر آیات دارد؛ آیاتی که به طور کلی مرتبط با آیه موردنظر ایشان است را ذکر و سپس اقدام به تفسیر می‌کند که نشان دهنده تسلط ایشان بر مفاهیم آیات است.</p>	<p>۳-۲-۴- بهره‌گیری از «روش کلی قرآن در بیان مطالب» در انتخاب جهت پیوند معنایی</p>
<p>علامه در المیزان برخی آیات را نظیر آیات دیگر می‌داند ایشان از این آیات برای تفسیر یکدیگر استفاده می‌کند</p>	<p>۳-۲-۵- لزوم برقراری ارتباط دو سوبه در پیوند معنایی آیات نظیر</p>
<p>علامه در تفسیر، از برخی آیات به وفور استفاده کرده است و گستره استفاده آیات در تحلیل ارتباط معنایی از ۳ جهت قابل بررسی است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.</p>	<p>۳-۲- تحلیل پیوند معنایی آیات از نظر گستره</p>
<p>علامه در المیزان از برخی آیات به عنوان آیات غرر یاد می‌کند. منظور از آیات غرر آیات کلیدی هستند که مفاهیم بسیاری از آیات توسط آنها قابل تفسیر است. ایشان در تفسیر خود از آیات غرر جهت تفسیر بسیار استفاده نموده است.</p>	<p>۳-۳-۱- استفاده از «آیات غرر» به عنوان آیات کلیدی</p>
<p>علامه از آیاتی که اوج صراحت دارد بسیار استفاده نموده است. برای مثال ایشان از آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ» (اعراف: ۲۸) ۱۵ بار برای تفسیر استفاده نموده و مفاهیم دقیقی ارائه کرده است.</p>	<p>۳-۳-۲- استفاده از «آیه داری اوج صراحت» به عنوان آیه اصلی و محل رجوع</p>
<p>علامه از آیات دارای مفهوم پایه‌ای و عمومی استفاده نموده است. برای مثال در موضوع افعال الهی و خصوصاً مسئله هدایت از آیه «الَّذِي أُعْطِيَ كُلَّ شَيْءٍ حَلَقَةً ثُمَّ هَدَىٰ» (طه: ۵۰) به صورت گسترده‌ای استفاده کرده است. ایشان حدود ۳۳ مورد از این آیه در تفسیر سایر آیات بهره برده است.</p>	<p>۳-۳-۳- استفاده از «آیه دارای مفهوم پایه‌ای و عمومی» به عنوان آیه اصلی و محل رجوع</p>

نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از مقاله در محورهای کیفیت تأثیرگذاری معنایی آیات در یکدیگر، وجه انتخاب آیات تفسیرکننده و تفسیر شونده و آیات کلیدی و اصلی به شرح زیر ارائه می‌شود.

۱- بررسی‌ها نشان می‌دهد که پیوند معنایی آیات از نظر نوع در تفسیر المیزان شامل احصاء مشترکات مفهومی یا ساختاری آیات، جمع بین مفاهیم آیات و بررسی تفکیکی اجزای پیوند معنایی می‌باشد.

۲- جمع بین مفاهیم آیات که یک نوع پیوند معنایی است گاهی به صورت صرف جمع و کنار هم قرار گرفتن آیات، گاهی به صورت تفسیر موضوعی و گاه به صورت ترکیب مفاهیم آیات در تفسیر المیزان نمود پیدا کرده است.

۳- در انتخاب جهت پیوند معنایی معیارهایی نظیر مبنا قرار دادن احادیث معصومین (ع)، استفاده ترکیبی از تضاد و تفصیل، درجه وضوح آیات در دلالت، توجه به روش کلی قرآن در بیان مطالب؛ قابل طرح است.

۴- از جمله معیارهایی که در انتخاب آیات کلیدی و اصلی که گستره وسیعی از آیات به وسیله آن‌ها تفسیر می‌شود باید مورد توجه قرار گیرد عبارتند از: تصریح علامه به اصلی بودن برخی آیات (آیات غرر)، برخورداری از منتها درجه صراحت و داشتن مفاهیم عام و پایه‌ای.

منابع

قرآن کریم.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸ق)، «عیون أخبار الرضا علیه السلام»، تحقیق: مهدی لاجوردی، نشرجهان، تهران.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶ش)، الامالی، انتشارات کتابچی، تهران.

ابن تیمیة، تقی‌الدین احمد بن عبد الحلیم، (۱۳۹۱)، «مقدمة فی أصول التفسیر»، تحقیق: دکتر عدنان زرزور، دار القرآن الکریم، اول، کویت.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت.

أحمد بن حنبل، (۱۳۱۳)، مسند، میمنیه، اول، مصر.

اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ق) «کشف الغمة فی معرفة الأئمة»، مصحح: هاشم رسولی محلاتی، بنی‌هاشم، اول، تبریز.

اوسی، علی، (۱۳۸۱)، «روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان»، ترجمه: سید حسین میر جلیلی، چاپ و نشر بین الملل، اول، تهران.

- ایرانی قمی، اکبر، (۱۳۷۱)، «روش شیخ طوسی در تفسیر تبیان»، سازمان تبلیغات اسلامی، اول، تهران.
- بی آزار شیرازی، عبدالکریم، (۱۳۷۶)، «قرآن ناطق»، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، اول، تهران.
- جلالیان، حبیب‌الله، (۱۳۷۸)، «تاریخ تفسیر قرآن کریم»، اسوه، چهارم، تهران.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۸)، «تفسیر تسنیم»، انتشارات اسراء، قم.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۴ش)، «مقدمه المیزان»، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
- حاجی‌خانی، علی؛ روحی‌برندقی، کاوس؛ آسنجرانی، محمد، (۱۳۹۴)، «نقش غرر آیات در تفسیر المیزان با تکیه بر آیات ۸۲ و ۸۳ سوره یس، مجله معرفت، شماره ۲۱۴.
- خالد عبدالرحمن العک، (۱۴۰۶)، «اصول التفسیر لکتاب الله المنیر»، دار النفائس، دوّم، بیروت.
- رستمی، علی‌اکبر، (۱۳۸۰)، «آسیب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معصومان علیهم السلام»، کتاب‌مبین.
- رضائی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۲)، «درسنامه روشها و گرایش‌های تفسیری قرآن»، مرکز جهانی علوم اسلامی، اول، قم.
- زرکشی، محمد بن بهادر، (۱۴۱۰)، «البرهان فی علوم القرآن»، محقق: ذهبی، جمال حمدی و کردی، ابراهیم عبدالله و مرعشلی، یوسف عبدالرحمن، دارالمعرفه، اول، بیروت.
- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، تصحیح: مصطفی، حسین احمد، دارالکتب العربی، بیروت.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴ق)، «الدر المنثور فی تفسیر المأثور»، کتابخانه مرحوم آیت الله مرعشی نجفی، قم.
- شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ق)، «نهج البلاغه»، مصحح: صبحی صالح، هجرت، اول، قم.
- شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۳۸۶)، «نهج البلاغه»، مترجم: حسین انصاریان، پیام آزادی، دوم، تهران.
- شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۳۷۹)، «نهج البلاغه»، مترجم: محمد دشتی، قم: مشهور.
- شمس اشراق، آذردخت؛ سیدخاموشی، سیدمهدی، (۱۳۹۸ش)، گونه‌شناسی آیات نظیر در تفسیر المیزان با محوریت موضوع شفاعت در سوره بقره، مجله پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۲۴.
- شنقیطی، محمدامین، (۱۴۲۷)، «أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن»، دارالکتب العلمیه، اول، بیروت.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، «وسائل الشیعه»، مؤسسه آل‌البتی علیهم السلام، اول، قم.
- طاهری، حبیب‌الله، (۱۳۷۷)، «درسهای از علوم قرآنی»، اسوه، اول، قم.
- طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، «المیزان فی تفسیر القرآن»، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، پنجم، قم.
- طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۹۰ق)، «المیزان فی تفسیر القرآن»، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت.
- عقیقی بخشایشی، (۱۳۸۷)، «طبقات مفسران شیعه»، نوید اسلام، چهارم، قم.
- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۷۳)، «هبانی و روشهای تفسیر قرآن»، وزارت فرهنگ و ارشاد، سوم، تهران.
- عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق)، «تفسیر العیاشی»، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، المطبعه العلمیه، تهران.

غلامی، لایلا؛ علوی‌مهر، حسین، (۱۳۹۰)، چستی تفسیر موضوعی و تفاوت آن با تفسیر قرآن به قرآن، فصلنامه مطالعات تفسیری، شماره ۸.

فتحی، علی، (۱۳۸۶ش)، معیارشناسی پیوند معنایی آیات، مجله معرفت، شماره ۲۲.

فخررازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

فقهی زاده، عبدالهادی، (۱۳۷۴)، «پژوهشی در نظم قرآن»، جهاد دانشگاهی، اول، تهران.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۲۹ق)، کافی، انتشارات دارالحدیث، قم.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶)، پیام قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران.

مهدوی راد، محمدعلی، (۱۳۸۲)، «آفاق تفسیر مقالات و مقولاتی در تفسیر پژوهی»، هستی‌نما، اول، تهران.

مؤدب، سیدرضا، (۱۳۷۹)، «اعجاز القرآن در نظر اهل بیت عصمت (ع) و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام»، احسن الحدیث، اول، قم.

مؤدب، سیدرضا، (۱۳۸۰)، «روشهای تفسیر قرآن»، اشراق، اول، قم.

نجازادگان، فتح الله، (۱۳۸۷ش)، رهیافتی به مکاتب تفسیری، انتشارات دانشگاه اصول الدین، قم.

نجازادگان، فتح الله؛ قربانی، اکبر، (۱۳۹۰)، بررسی و تحلیل مبانی تفسیر قرآن به قرآن با تأکید بر تفسیر المیزان، فصلنامه مطالعات تفسیری، شماره ۵.

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: آسنجرانی محمد، طبیبی علیرضا، حسن‌بگی علی، احسانی کیوان، بررسی تحلیلی نظریه پیوند معنایی آیات از نظر نوع، جهت و گستره، در تفسیر المیزان، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۵، شماره ۵۹، پاییز ۱۴۰۳، صفحات ۱۰۶-۸۸.